

# ماهنامه

# مردم

## ارگان مرکزی حزب توده ایران



### کشور ما باید

## بجای ادامه سیاست گروه بندی نظامی - سیاسی

## سیاست صلح، بیطرفی و امنیت جمعی را در پیش گیرد

هیئت نخست وزیر محافظه کار این کشور، آغاز شد. در این اجلاس به ویلیام راجرز، وزیر خارجه آمریکا و هیئتهای نمایندگی ایران و ترکیه، هر یک بریاست وزیران خارجه این کشورها و هیئت نمایندگی پاکستان برای نخستین بار در دوران اخیر بریاست یک وزیر کابینه، شرکت جستند. بر رأس هیئت نما -

هندگی دوازده نفری ایران وزیر خارجه عباسعلی خلعت بری قرار داشت. روزنامه اطلاعات در آستانه تشکیل اجلاس به نوشت که مذاکرات این جلسه «در پشت درهای بسته و بصورت سری» انجام میگردد و «نصیر عصار گزارش مهم و محرمانه ای از تحولات استراتژیک منطقه» دنباله در صفحه ۴

در ماه خرداد در لندن، در قصر «لانکاستر هائوس» نوزدهمین اجلاس شورای وزیران پیمان مرکزی «سنتو» بریاست سرالک دگلاس هیوم وزیر خارجه انگلستان با قرائت پیامی از ملکه انگلیس بوسیله ادوارد

### اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره

## تأمین حقوق ملی خلق بلوچ

ایران از گسترش جنبش در بلوچستان پاکستان و ایران نگرانند. نظر حزب توده ایران در مورد این مسئله ناشی از موضع گیری اصولی هیئت کمیته مرکزی از جمله آنست که ساکنین بلوچ ما ایرانند. یکی از این خلقها خلق بلوچ است. بلوچ از اقوام ایرانی و خلقی است دارای زبان و آداب و سنن ملی خود. وجود پیوند های زبانی و نژادی و تاریخی مابین آنها و دیگر اقوام ایرانی که خود امریست انکارناپذیر، منافی این حقیقت نیست. ولی خلق بلوچ مانند دیگر خلقهای ساکن ایران از حقوق حقه خویش محروم است و زمام سرنوشت خود را در دست ندارد.

حوادث شبه قاره هندوستان که منجر به پیدایش جمهوری بنگالادش گردید، رژیم پاکستان را دچار بحران عمیقی ساخت. یکی از مظاهر این بحران تشدید تناقضات ملی در داخل پاکستان و از آنجمله اوج تازه جنبش رهایی بخش خلق بلوچ در پاکستان است. در ماههای اخیر محافل دولتی ایران نیز در مورد بلوچستان دست به فعالیتهای زده اند. سفر اشرف بهاوی به پاکستان، مذاکرات بین شاه و بوتو در باره بلوچستان، دعوت از بانجو فرماندار بلوچستان پاکستان بایران جرات مختلفی است از این فعالیت. روزنامه های ایران تصریح میکنند که بمناسبت حوادثی که در بلوچستان پاکستان میگذرد و نگرانی محافل حاکمه ایران از این حوادث، دولت ایران مایل است، نه تنها در مورد بلوچستان ایران، بلکه حتی در مورد بلوچستان پاکستان نیز دست با اقداماتی بزند. اخباری در باره مبارزات بلوچهای ایران نیز وجود دارد. بدین ترتیب روشن میشود که محافل حاکمه

## دیدار هیئت نمایندگی حزب توده ایران از جمهوری توده ای دموکراتیک کره

هیئت نمایندگی حزب توده ایران طی روزهای اقامت خود با رفیق کیم ایرسن دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگره ملاقات کرد. کمیته مرکزی حزب کارگره نیز روز ۳ ژوئن با حضور جمعی از فعالین حزب ضیافتی با افتخار حزب توده ایران ترتیب داد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران همه جا از پذیرائی گرم و استقبال پر شور محافل اجتماعی و زحمتکشان کره بر خوردار بود. نمایندگان حزب کارگره و مردم کره در این بازدید مراتب دوستی و همبستگی عمیق خود را با حزب توده ایران و مبارزه آشتی ناپذیر مردم ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک زحمتکشان و سازمانهای سیاسی آنان ابراز داشتند.

این بازدید که نخستین ملاقات میان دنباله در صفحه ۲

بنا بدعوت کمیته مرکزی حزب کارگره هیئت نمایندگی حزب توده ایران بریاست رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی از ۳۰ مه تا ۶ ژوئن سال جاری از جمهوری توده ای دموکراتیک کره بازدید دوستانه بعمل آورد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران طی روزهای اقامت خود با نمایندگان حزب کارگره پیرامون مسائل مربوط به مناسبات میان دو حزب و مسائل دیگر مورد علاقه مشترک تبادل نظر بعمل آورد و با دستاوردهای درخشان زحمتکشان جمهوری توده ای دموکراتیک کره در شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آشنا شد که مشروح آن طی مقاله ای جداگانه در مجله دنیا درج خواهد شد.

### بارة برخی مسائل

## مربوط به اشتغال (بیرامون کنفرانس ملی کار)

### «کنفرانس ملی کار» در تهران

از چند سال باین طرف چنین معمول شده است که دولت ایران بتقلید از سازمان بین المللی کار و بعنوان تدارک شرکت در کنفرانس بین المللی کار «کنفرانس ملی کار» را تشکیل میدهد که در آن نمایندگان دولت، نمایندگان کارفرمایان و باصطلاح نمایندگان کارگران شرکت میکنند. در این کنفرانسها قطعنامه هایی صادر میشود که بتقلید از توصیه های کنفرانس بین المللی کار جنبه توصیه دارد و معمولاً ضامن اجرائی برای تصمیماتی که در این کنفرانسها اتخاذ میشود وجود ندارد مگر آنکه اجرای تصمیم بسود کارفرمایان باشد. گذشته از این مواد قطعنامه همیشه مبهم و عاری از نتیجه گیریهای مشخص است. با این وجود ماهیت مسائلی که در این کنفرانسها مطرح میشود از لحاظ طبقه کارگر دنباله در صفحه ۶

### سیاست خصوصی کردن موسسات صنعتی دولتی

## سیاستی است بزبان مردم ایران

### سیاست دولت

### در باره بخش خصوصی

روش عمومی دولت ایران در باره دو شکل عمده سرمایه داری در ایران - سرمایه داری دولتی و سرمایه داری خصوصی - روشن است. شاه و مجریان اصول «فلسفه» او سیاست خود را در مورد بخش دولتی و بخش خصوصی سرمایه داری هرگز پنهان نکرده اند. در کتاب «انقلاب سفید» گفته میشود: «... برای تسریع توسعه اقتصادی و صنعتی، نقش مهمی بعهده سرمایه گذارن پسا و فعالیت های خصوصی محول شده است... لیکن اگر بعلمت عدم تکافوی منابع مالی یا عدم تحصیل

دنباله در صفحه ۳

وزیر اقتصاد در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود در ۲۲ خرداد سال جاری اعلام داشت که طبق دستور شاه «بجز در مورد صنایع نفت، ذوب آهن و دخانیات سهام سایر واحدهای صنعتی دولتی، طبق برنامه ای که در دست تهیه است و اعلام خواهد شد، برای فروش مردم عرضه خواهد گردید». (کیهان هوائی ۲۲ خرداد ۱۳۵۱)

با آنکه بررسی دقیق و تفصیلی این برنامه فقط پس از اعلام جزئیات آن میسر است، ما یک ارزیابی کلی از آنرا، در چارچوب سیاست عمومی دولت در باره دو بخش دولتی و خصوصی صنایع ایران، هم اکنون ممکن میشماریم.

### افکار عمومی در اروپا

## به حکومت استبدادی تهران

### اعتراض می کند

سفر اخیر شاه به ژنو نه تنها در محافل سیاسی و اجتماعی اروپا، بلکه در میان مردم ساده بسیاری از نقاط اعتراضات فراوانی را برانگیخت. بسیاری از روزنامه های اروپایی این سفر را مورد بحث قرار دادند. تمام روزنامه هایی که باین سفر توجه کردند، درعین حال فقدان دموکراسی در ایران، تسلط سازمان امنیت و صدور احکام جابرانه در محاکم نظامی را مورد انتقاد و اعتراض قرار دادند. چون مقصد این سفر سویس بود، طبیعی است که این اعتراضات بیش از همه در سویس منعکس شد. جامعه سویسی حقوق بشر، وابسته به سازمان ملل متحد، روز ۷ ژوئن، یعنی چند روز پیش از ورود شاه، در یک نامه سرگشاده به دولت ایالتی ژنو اعتراض کرد. محتوی اعتراض این بود که چرا دولت

دنباله در صفحه ۵

# درباره خرید هواپیمای کنگورد

## از جانب ایران

نیویورک پرواز کند خیلی بیشتر از کرایه مسافری خواهد بود که از لندن به نیویورک پرواز میکنند و این خود عاملی است که در رقابت‌های حاد سرمایه‌داری نمی‌شود از آن چشم پوشید. ( ۴ ) طبق اظهار نظر متخصصین؛ راحتی در یک هواپیمای جت عادی خیلی کمتر است چه نه تنها مسافری‌بعلت سرعت بیشتر هواپیما باید اکثراً با کمر بندهای مخصوص در صندلیهای خود بنشینند بلکه خطرهای حاصله در موقع پرواز و نشست نیز خیلی بیشتر است. اینهم عامل دیگری است که شرکتهای بزرگ هواپیمائی را در خرید آن محتاط کرده‌است. ( ۵ ) صدای انفجار حاصله از پرواز کنگورد با اندازه ای قوی است که در تن و روان هر کسی که در زیر خط پرواز آن قرار دارد تولید ناراحتی‌های شدید میکند. لذا نه تنها اکثر ممالک از جمله ممالک اسکانندیناوی از خرید کنگورد سر باز زده‌اند بلکه حتی پرواز آنرا از فضای مملکت خودشان ممنوع کرده‌اند.

یک ایرانی وطن‌دوست که اکثریت هموطنان او جاده عادی و اتوبوس برای بردن می‌رضان بنزدیکترین شهر را ندارند، ایرانی که بیش از ۷۰ درصد هموطنانش بیسوادند، ایرانی که اکثر هموطنانش نان، آب آشامیدنی، گرمابه، وسائل بهداشت، خانه و مسکن ندارند و بیکاری جوانان تحصیل کرده مملکتش را ببرکت «انقلاب سفید» در خیابانها سرگردان کرده‌است؛ باید از خودسئوال کند دولت با چه مجوزی، بچه منظوری، برای چه، کسانی، و از جیب چه کسی خود - سرانه تصمیم گرفته است حداقل ۷۲ میلیون لیره برای سه فروند هواپیمای مافوق صوت خراجی کند. آیا ما بآن مرحله از رشد اقتصادی و صنعتی رسیده‌ایم که تجار ما میخواهند برای اجرای تصمیمات فوری و فوئی خود در عرض یکروز به نیویورک بروند و برگردند؟ و اگر چنین است چند نفر و در چند روز هفته؟ و یا خرید این هواپیماها هم مثل اغلب کارهای باصطلاح «انقلابی» شاه جنبه تشریفاتی و نمائشی و پرستیژی دارد؟ روز دوم ژوئن ملکه فرح‌ضمن گزارش خود از رادیو تهران با تأسفی ملوکانه اضافه کردند که: «در کرمان کارهایی که احتیاج با اقدام فوری دارد، از قبیل تأمین آب، برق، حمام، مسکن، مدرسه، بهداشت و غیره و غیره، با اندازه‌های زیاد است که آدم بعضی وقتها حتی در شروع با اقدام نیز دچار یأس میشود». آیا گوش دولت کر است یا میخواهند مردمی را برای همیشه تحمق کنند؟ و یا برای اینست که در تأمین بهبود زندگی مردم ایران ایندفعه میخواهند از طریق هواپیمای مافوق صوت کمک کنند؟ جواب این سئوال را بوجدان خواننده واگذار میکنیم ولی اضافه میکنیم که جای تعجب نیست که روزنامه نگاران انگلیسی توانسته‌اند ایندفعه هم پوزخند تسخیر آمیز خود را مخفی کنند. د. م.

اخیراً روزنامه‌های خبری و رادیو تلویزیون انگلستان خبری مبنی بر فروش سه فروند هواپیمای مافوق صوت کنگورد به ایران را با مسرتی که خالی از نوعی پوزخند آمیخته با تعجب نبود باطلاع خوانندگان و شنوندگان خود رساندند.

قیمت اصلی یک هواپیمای کنگورد ۱۷ میلیون لیره انگلیسی ( یعنی معادل ۳۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال ) میباشد. صرف نظر از اینکه بعلت نبودن تکنیک این هواپیما، نه تنها در ایران ( وحتی در ممالک پیشرفته اروپا ) تکنیسین و مهندس و خلبان و غیره که برای تعمیر و هدایت کنگورد لازم است وجود ندارد، هنوز مفید و ضرور بودن این هواپیما در پروازهای بازرگانی نیز ثابت نشده‌است. لذا علی‌رغم تمام تبلیغاتی که رادیوها و تلویزیونهای دولتی فرانسه و انگلیس از مدتها پیش نسبت به عرضه و فروش آن در بازارهای دنیا کرده‌اند، قادر نشده‌اند پیش ازده فروند کنگورد ( آنهم بشرکتهای دولتی خود ) در فرانسه و انگلستان بفروشند. حتی آمریکا نیز که

بزرگترین شرکتهای هواپیمائی مسافری دنیا را در اختیار دارد در خرید آن اظهار تردید کرده‌است. علل این امر بقرار ذیل اند ( ۱ ) قیمت یک کنگورد چندین برابر قیمت یک هواپیمای جت مسافری است و برای اینکه یک شرکت هواپیمائی مثل «پان آم» بتواند از آن بهره برداری کند باید حداقل ۵ تا ۱۰ فروند خریداری کند و بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلیون لیره انگلیس سرمایه گذاری نماید، ( ۲ ) بعلت گران بودن قیمت هواپیما مسافر باید برای طی مسافت مثلا بین نیویورک و لندن پرداخت کند بیش از دو برابر کرایه هواپیماهای جت عادی است. پیش بینی میشود که بجز عده‌ای قلیل ( آنهم از بین مأمورین عالی‌رتبه دولتی و سرمایه‌داران بزرگ جهان ) که برای انجام کاری فوری و فوئی بخواهند از یک نقطه بنقطه دیگر مسافرت و مراجعت کنند، کسانی دیگر از این هواپیما استفاده نخواهند کرد، لذا این خود در محدود کردن درآمد آن عاملی بزرگ است.

( ۳ ) گو اینکه این هواپیما با سرعت فوق صوت پرواز میکند و در نتیجه مثلا مسافت شش ساعت بین لندن و نیویورک را به سه ساعت تقلیل میدهد معینا حداکثر مسافتی که با یک سوختگیری میتواند طی کند ۳۰۰۰ میل است و اگر هواپیما برای سوختگیری ثانوی مجبور باشد در فرودگاهی بنشیند نه تنها قسمت عمده از وقت پس انداز شده را از دست خواهد داد بلکه در پرواز بعد از سوختگیری ثانوی ظرفیت حمل مسافر را از ۱۲۰ نفر به ۱۰۰ نفر باید تقلیل دهد و این خود علاوه بر ایجاد ناراحتی، عاملی در بالا بردن کرایه مسافتهای بیش از ۳۰۰۰ میل بکار می‌اندازند. بدین ترتیب فرق کرایه مسافری که میخواهد از پاریس به

## دیدار هیئت نمایندگی حزب توده ایران

نمایندگان دو حزب برادر بود به تحکیم دوستی و همبستگی انترناسیونالیستی میان آنان کمک کرد. در پایان بازدید، اطلاعیه مشترکی از طرف هیئت‌های نمایندگی دو حزب برادر انتشار یافت که متن آن در زیر درج میگردد.

متن اطلاعیه مشترک دربارهٔ نتایج دیدار هیئت نمایندگی حزب توده ایران از جمهوری توده ای دموکراتیک کوره

کار امپریالیسم آمریکا باید بیدارنگ و تا آخرین نفر از کوره جنوبی بیرون روند و « کمیسیون سازمان ملل متحد مأمور تأمین وحت و احیای کوره » باید منحل گردد و قطعنامه های غیر قانونی سازمان ملل متحد درباره مسئله کوره ملغی شود.

هیئت نمایندگی حزب کار کوره مراتب پشتیبانی و همبستگی خود را از مبارزه عادلانه حزب توده ایران و مردم ایران علیه سیاست غارتگرانه امپریالیستها و بوژ امپریالیستهای آمریکا و انگلیس، علیه استثمار و ستم سرمایه بزرگ و در راه دموکراتیزه کردن کشور و دگرگونی بنیادی اجتماعی و اقتصادی ابراز میدارد و کامیابی‌های آنرا در این مبارزه آرزو میکند.

هیئت نمایندگی حزب کار کوره با قاطعیت اعلام داشت که اجحاف و تزییق و تعقیب حزب توده ایران و میهن پرستان ایرانی باید موقوف گردد و شرایط لازم برای فعالیت علنی آزاد نیروهای مترقی و دموکراتیک و بوژ حزب توده ایران تأمین گردد.

هر دو هیئت نمایندگی دسائس میلیتاریست های ژاپن را در زمینه فراهم ساختن موجبات تجاوز جدید به کوره جنوبی و سیاست توسعه طلبی آنرا علیه کشورهای آسیا و انواع کشورهای دیگر جهان بشدت محکوم ساختند و عزم راسخ خود را برای مبارزه مشترک فعال علیه این دسائس ابراز داشتند. هر دو هیئت نمایندگی همبستگی کامل خود را با مبارزه ملل تمام کوره علیه امپریالیسم و استعمار و از آنجمله با بیکار عادلانه و میهن پرستانه ضد امپریالیستی ملل و پتنام قهرمان و لائوس و کامبوج و نیز با بیکار عادلانه خلقهای عرب و خلق فلسطین علیه اسرائیل و امپریالیستهای آمریکائی و صهیونیسم جهانی حامی آن اعلام کردند.

هر دو هیئت نمایندگی عزم راسخ ابراز داشتند که تمام مساعی خود را برای تحکیم وحدت و ییوستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بکار برند. هر دو حزب مناسبات فی مابین را بر پایه اصول برابری کامل، استقلال، احترام متقابل، عدم مداخله در امور یکدیگر و همکاری رفیقانه استوار میسازند. هر دو هیئت نمایندگی اعلام داشتند که دیدار هیئت نمایندگی حزب توده ایران از جمهوری توده ای دموکراتیک کوره به تحکیم دوستی و همبستگی میان دو حزب و خلقهای دو کشور در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم کمک میکند.

بنا بدعوت کمیته مرکزی حزب کار کوره هیئت نمایندگی حزب توده ایران بریاست رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی طی روزهای ۳۰ تا ۶ ژوئن سال ۱۹۷۲ از جمهوری توده ای دموکراتیک کوره بازدید دوستانه بعمل آورد.

طی روزهای اقامت میان هیئت نمایندگی حزب توده ایران و رفیق کیم ایرسن دبیر کل کمیته مرکزی حزب کار کوره ملاقات بعمل آمد و گفتگوی دوستانه انجام گرفت.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران از مؤسسات فرهنگی و تربیتی شهرهای یخنیان و کسون و نیز از خط آتش بس در پانویجون بازدید کرد. مردم کوره همه جا از هیئت نمایندگی حزب توده ایران استقبال پر شور و پذیرائی های گرم بعمل آوردند.

میان هیئت نمایندگی حزب توده ایران و حزب کار کوره مذاکراتی صورت گرفت که طی آن طرفین یکدیگر را از اوضاع کشور خود و فعالیت حزب خود مطلع ساختند و پیرامون مسائل مربوطه به مناسبات میان دو حزب و مسائل دیگر مورد علاقه طرفین تبادل نظر بعمل آوردند.

مذاکرات در محیط دوستانه و رفیقانه انجام گرفت.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران برای دستاورد های جمهوری توده ای دموکراتیک کوره ارزش عالی قائل شد و خاطر نشان ساخت که کمیته مرکزی حزب کار کوره که رفیق کیم ایرسن در رأس آن قرار دارد در پرتو انطباق خلق مارکسیسم - لنینیسم بر واقعیت مشخص کشور خویش مبارزه قهرمانانه مردم کوره را براه دگرگونی های انقلابی بنیادی سوق داد و بدینسان طی مدتی بالنسبه کوتاه کشوری را که در گذشته عقب مانده بود با احراز کامیابی به کشور سوسیالیستی صنعتی شکوفان و مستقل مبدل ساخت.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران خاطر نشان کرد که مشی متغذنه در زمینه تأمین وحدت مسالمت آمیز و مستقل کوره بر پایه اصول حق ملل در تعیین سر نوشت خویش که رفیق کیم ایرسن آنرا ضمن سخنرانی خود بمناسبت سال نو و سپس ضمن پاسخ های خود به پرسشهای مخبرین روزنامه ژاپنی « یومیوری سیمبون » تشریح کرده است کاملا عادلانه و حائز اهمیت تاریخی است و بهمین جهت مراتب پشتیبانی کامل خود را از این مشی ابراز داشت.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران با قاطعیت تمام اعلام کرد که نیروهای تجاوز

## سیاست خصوصی کردن موسسات صنعتی دولتی سیاستی است بریان مردم ایران

میزان سود کافی و یا بجهت دیگر سرمایه گذاران خصوصی پیشقدم برای ایجاد این صنایع نشوند، دولت رأساً در تأسیس صنایع مورد نظر اقدام میکند.

دولت ایران در چارچوب این مشی عمومی، با در نظر گرفتن امکان و قدرت و درجه آمادگی بخش خصوصی، حجم و جهت سرمایه گذاریهای خود را در رشته های مختلف تعیین مینماید. چنانکه در برنامه چهارم که ایجاد برخی صنایع سنگین مورد نظر دولت بود و بخش خصوصی امکان و قدرت شرکت در این کار را نداشت، دولت خود این وظیفه را بهمه گرفت و از ۹۱ میلیارد ریال پیش بینی شده برای سرمایه گذاری ثابت دولتی در صنایع، ۶۵ میلیارد ریال به عمل صنایع ذوب آهن و پتروشیمی تخصیص داد.

علاوه بر این سیاست عمومی که بر پایه امکانات بخش خصوصی تنظیم شده، دولت در مواردی رعایت «مصالح ملی» و «مصالح عمومی» کشور را نیز از اصول اساسی سیاست خود در مورد بخش خصوصی و بخش دولتی اعلام کرده است. در گزارش برنامه چهارم گفته میشود: «ایجاد و اداره بعضی از صنایع اساسی را که برای کشور جنبه حیاتی دارد و نیز آن دسته از صنایع را که بخاطر حفظ مصالح ملی اداره آن بوسیله دولت ضروری است، نمیتوان به بخش خصوصی واگذار نمود». مقامات رسمی دولت صنایع نفت و ذوب آهن و برق را چنین رشته هایی اعلام کرده اند. شاه در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود در ۴ بهمن ۱۳۴۹ از جمله میگوید: «صنایع سنگینی که در قیمتت مستورند، مانند نفت که البته همیشه ملی خواهد بود، یا ذوب آهن و پتروشیمی و گاز (هرچند که مشتقات آنرا میتوان به بخش خصوصی واگذار کرد، زیرا مواد اولیه آن که نفت و گاز باشد در دست و زیر کنترل همیشگی دولت است و تأییری در قیمتها ندارد) و برق و آب همیشه متعلق به جامعه خواهد بود». شاه در این گفته های خود رشته هایی از صنایع را که میتواند در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، بطور غیرمستقیم مشخص کرده است. چنانکه ملاحظه میشود، شاه در اینجا نه صنایع سنگین بطور کلی، بلکه فقط رشته های سرمایه طلبی را که برای صنایع تبدیلی باید مواد اولیه و نیروی برق ارزان تولید کنند، بدولت تخصیص میدهد و بخش خصوصی را برای فعالیت در رشته های ماشین سازی، موتور سازی، تراکتورسازی، تولید وسائل نقلیه، صنایع لاستیک سازی و نورد آهن و غیره که سرنوش تمام اقتصاد کشور واقعاً آنها وابسته است و نیز صنایع اساسی تولید مواد مصرفی که از لحاظ بهبود وضع زندگی زحماتکشان و قیمت واقعی آنها

برای توده های مردم اهمیت واقعاً حیاتی دارد، آزاد میگذارد.

بعلاوه خود این ادعا که صنایعی نظیر نفت و پتروشیمی دولتی و یا «ملی» هستند، ادعائی است بوجوب بی پایه. زیرا سرمایه های خصوصی، آنهم بدترین و زیان بخش ترین نوع آن، یعنی سرمایه های انحصاری خارجی بر صنایع نفت کشور ما تسلط دارند و در صنایع پتروشیمی سهم و نقش قابل ملاحظه ای بدست آورده اند. گذشته از اینها فلزکاری و نورد ایران برای نخستین بار بوسیله بخش خصوصی (گروه صنعتی شهریار) بوجود آمد. ظرفیت تولیدی کارخانه های گروه صنعتی شهریار هم اکنون به ۴۰۰ - ۳۰۰ هزار تن در سال بالغ شده و بزودی به یکمیلیون تن در سال افزایش خواهد یافت. نوع مواد اولیه ای که برای آهن گذاری در این کارخانه ها بکار میرود (آهن قراضه)، برخلاف ادعای مقامات دولتی، بهیچوجه از نقش و اهمیت اقتصادی و اجتماعی این رشته نمیکاهد.

واقعیت های ایران نشان میدهد که همراه با افزایش قدرت مالی و فنی و مدیریت بخش خصوصی، دولت امکانات بیشتری برای فعالیت آن فراهم میآورد. زمانی تولید قند و شکر در انحصار قانونی و تولید سیمان در انحصار عملی دولت بود، ولی اکنون بخش خصوصی نقش قابل ملاحظه ای در این رشته ها بدست آورده است. آقای هویدا در نخستین کنفرانس سرمایه گذاران امریکائی در ایران در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹ گفت: «سیاست اساسی ما آنست که دولت فقط در آن رشته از صنایعی سرمایه گذاری کند که سرمایه گذاری در آن برای بخش خصوصی بدلائل فنی و مالی میسر نیست. ولی در عین حال این نکته را باید متذکر شوم که زمانی سرمایه گذاری بخش خصوصی اساساً در صنایع معطوف بمصرف متمرکز شده بود، در حالیکه امروز صاحبان صنایع به رشته های مهمتر که احتیاج بسرمایه زیاد دارد، توجه کرده اند».

یادآوری این نکته نیز ضرور است که در باره نقش و دامنه فعالیت بخش خصوصی در میان محافل اقتصادی دولت اختلاف نظر های معینی وجود داشته است. روی کار آمدن آقای انصاری در اواخر سال ۱۳۴۸ گامی جدی در جهت تأمین تمایلات بخش خصوصی ارزیابی میشود. چنانکه روزنامه کیهان در شماره ۱۳ اسفند ۱۳۴۸ باین مناسبت نوشت: «پس از یک دوره طولانی تردید و دو دلی در زمینه نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران بنظر میرسد که نظر طرفداران «اقتصاد آزاد» بر نظرات مخالف چریبده است... اینک روش تازه ای در جهت تقویت بیشتر سرمایه گذارانهای خصوصی اعلام شده که به قصد رونق آنها در زمینه «ادامه» وضع قبلی

از میان میرود، بلکه آغاز یک دوره تازه و از نظر طرفداران سرمایه گذاری خصوصی داگرم کننده را در زمینه فعالیت و نقش سرمایه گذاری خصوصی و تمام گروههای که بنام بخش خصوصی نامیده میشوند، نوید میدهد».

### سهم بخش دولتی در صنایع

طبیعی است، اجرای این سیاست نمیتوانست به تضعیف بخش خصوصی در قبال بخش دولتی منجر شود. ارقامی که آقای هوشنگ انصاری، وزیر اقتصاد در این مصاحبه ارائه داد، تناسب میان دو شکل عمده سرمایه داری ایران را در صنایع بوضوح تمام نشان میدهد.

از این ارقام چنین برمیآید که بخش دولتی فقط ۱۱٫۴ درصد تولید صنایع تبدیلی کشور را تأمین میکند و سهم محصولات صنعتی بخش دولتی در میان صنایعی که بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند، در حدود ۲۱ درصد است. میزان تولید تمام کارخانه های بزرگ بخش دولتی که بیش از ۱۰ نفر کارگر دارند، در حدود ۵۰ میلیارد ریال است، ولی ۱۴۴ کارخانه از بزرگترین کارخانه های بخش خصوصی به تنهایی ۱۱۴ میلیارد ریال، یعنی بیش از دو برابر مجموع کارخانه های بزرگ دولتی محصول تولید میکنند.

بدیهی است اگر دولت ایران از صدها میلیارد ریال درآمد ملی کسود که از منابع نفت مالیاتها و فعالیتهای اقتصادی بدست میآورد، در راه سرمایه گذاری معقول در راه اقتصاد ملی استفاده میکرد، تاکنون میتوانست صنایع برآب نیرومندتری در بخش دولتی بوجود و ضمن ایجاد شرایط مساعد برای فعالیت بخش خصوصی در چهار چوب منافع ملی، نقش و مقام برآب جدی تری برای بخش دولتی تأمین نماید. ولی دولت در این راه گام برنداشت. اعلام فروش سهام صنایع دولتی، جز نفت و ذوب آهن و دخانیات، یکباردیگر این واقعیت را به ثبوت میرساند.

### یک ارزیابی کلی

با اینکه جزئیات برنامه فروش سهام کارخانه دولتی بعداً اعلام خواهد شد، ولی وزیر اقتصاد خطوط کلی آنرا هم اکنون تعیین کرده است. هوشنگ انصاری در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت: «سهام اینگونه کارخانه ها عرضه خواهد شد و در موارد دیگر دولت آماده است حتی تا ۹۹ درصد سهام خود را با رعایت حق تقدم به کارگران و کارمندان هر واحد، مردم عرضه کند، مشروط بر اینکه حق رأی سهام مزبور همچنان در دست دولت باقی بماند». ما با اعلام جزئیات این برنامه از طرف دولت به یک ارزیابی کلی از آن بسنده میکنیم.

بیش از همه باید گفت که این اقدام دولت بمعنای انتقال کارخانه های دولتی به بخش خصوصی زیر سرپوش واگذاری سهام به کارگران و مردم است. صاحبان صنایع بزرگ پیوسته عدم رضایت خود را از دخالت دولت در امور تولیدی اعلام کرده و واگذاری صنایع

دولتی و حتی دخانیات را به بخش خصوصی مطرح ساخته اند. تمایلات سرمایه داران بزرگ ایرانی نمیتوانست در حزب دولتی نیز منعکس نگردد. چنانکه آقای کلای، دبیر کل حزب ایران نوین که همین سهم نسبتاً کوچک دولت در صنایع کشور در نظرش به مثابه «سلطه» دولت جلوه میکند، در ۲۰ آبان ۱۳۵۰ در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که «سلطه دولت بر صنایع اصلی و صاحب منابع طبیعی را باید لغو کرد». این تمایل در میان سرمایه گذاران خارجی نیز وجود دارد و آنان به دخالت دولت در امور تولیدی بنظر خوش نمیکردند. این حقیقت را تهران اگونومیست در مورد معادن چنین بیان میکند: «اما وقتی از سیاست معدنی سخن بمان میآید قبل از هر چیز در مقابل این سؤال قرار میگیریم که میزان دخالت دولت در معادن در آینده چه مقدار خواهد بود؟ معدنکاران داخلی و سرمایه گذاران خارجی بیشتر بدنبال همین سؤال هستند» (شماره ۳۰۳، ص ۳۸). بدینسان میتوان احتمال داد که یکی از هدفهای اقدام دولت در جهت گسترش بخش خصوصی، استقبال از خواست سرمایه داران خارجی بمنظور جلب سرمایه گذاری بیشتر آنانست.

اکنون میتوان گفت که یکی از اهداف دیگر دولت در فراخواندن بخش خصوصی به فروش سهام کارخانه های خود، زمینه جینی برای فروش سهام کارخانه های دولتی به سرمایه داران خصوصی و توجیه و تبرئه این اقدام زیان بخش دولت بوده است.

بعلاوه خوداندیشه فروش سهام کارخانه ها به کارگران و زحماتکشان از ریشه و اساس نادرست بوده و عملاً، نوعی کلاهبرداری است. زیرا تمام این مؤسسات محصول کار جمعی زحماتکشان ایران بوده و آنان صاحبان اصلی و واقعی این کارخانه ها هستند. این واحدها باید برای رشد نیروهای مولده، پایان دادن به وابستگی اقتصادی کشور و ارتقاء سطح زندگی و تأمین رفاه مردم مورد بهره برداری قرار گیرند، نه اینکه به عناوین عوامفریبانه، به صاحبان اصلی آنها از نو فروخته شوند. حزب توده ایران همیشه خواستار توسعه

و تقویت بخش دولتی در رشته های اساسی تولید صنعتی اعم از صنایع سنگ و سنگین و تأمین نقش تعیین کننده برای آن در تمام اقتصاد کشور بوده است و دمکراتیزه کردن اداره این بخش و بهره برداری از آن بسود اکثریت مردم ایران را هدف خود میداند. اقدام دولت ایران به فروش کارخانه های

دولتی به هر بهانه ای و زیر هر عنوان که باشد، بزبان اقتصاد کشور و مصالح واقعی زحماتکشان است و از طرف توده های مردم محکوم میشود. مسعود.

خوانندگان عزیز!

باین آدرس با ما مکاتبه کنید:

**P. B. 49034**  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## کشور ما باید بجای ادامه سیاست گروه بندی نظامی - سیاسی سیاست صلح، بیطرفی، امنیت جمعی را در پیش گیرد

توأم با پیشنهاد هائی تقدیم شورای وزیران خواهد کرد. «پیداست که ایران در این اجلاس نقش خاصی برای خود قائل شده است.

این اجلاس، که بلافاصله پس از اجلاس شورای وزیران پیمان آتلانتیک (ناتو) تشکیل شد، نسبت به اجلاسهای دوران اخیر پیمان سنتو، تفاوتهای چشم گیری داشت. مجله «اکنونیست» این نقش را چنین توصیف کرد که در گذشته سنتو مانند سگ خفته ای بود که گاه دم می جنباند ولی در این باره اخیر، سگ دم خود را سخت علم کرد. در واقع سنتو که در گذشته شاه آنرا «باشگاه گفتهگو»، «پیمان مرده»، «پیمان بی دندان» مینامید، یکبار دیگر نشان داد که یک گروه بندی نظامی - سیاسی تجاوز کار واقعه موجود و فعال است که هم امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی حامی آن، و هم دیگر اعضای منطقه ای آن مایل نیستند از آن دست بردارند. اکنونیست در مقاله مورد بحث نوشت که اجلاس اخیر نشان داد که سنتو اگر چه «آرام» است ولی نمرده است. اطلاعات نوشت: «اجلاس مذکور را شاید بتوان با توجه به تحولات متعدد منطقه ای و روابط شرق و غرب یکی از مهمترین اجلاسهای این سازمان در دهسال اخیر عنوان کرد.»

با انحصار پیمان سنتو، علیرغم تمایل امپریالیستها، ایران و ترکیه نتوانسته است بر بحران جدی درونی خود غالب آید و پاکستان پیش از پیش در مورد بقاء خود در سنتو دچار تردید است. کیهان در سرمقاله ۲۱ خرداد ۱۳۵۱ خود مینویسد: «ناظران امور با توجه باظهارات صریح بوتو و اظهار نظر دیگر مقامات رسمی پاکستان، حضور یک وزیر پاکستانی در جلسه اخیر سنتورانه تنها دلیلی بر استحکام پاکستان در این پیمان نمیداند، بلکه نظر دارند که باید منتظر تصمیمات جدیدی بود که بر اساس آن هر لحظه ممکن است خروج پاکستان از سنتو و همچنین سنتو اعلام گردد.»

### در اجلاس سنتو چه گذشت؟

در اعلامیه ای که در پایان اجلاس نشر یافت وزیران پنج کشور «پیمان» خویش را به «اهمیت سازمان پیمان مرکزی برای اعضاء آن بیان داشتند: در این اعلامیه از ضرورت مبارزه با «فعالیتهای خرابکارانه» صحبت شده است. اطلاعات در شماره ۱۶ خرداد ۱۳۵۱ خود نوشت: «ناظران امور برای اشاره اعلامیه مشترک بکلمات «فعالیت های خرابکارانه» اهمیت فراوان قائلند.» سپس این روزنامه توضیح میدهد که «وزیران خارجه عضو سنتو در اجلاس لندن... جملهگی در یک حقیقت متفق القولند که صرف نظر از کاهش تشنج روابط شرق و غرب مبارزه تازه ای میان قدرتهای بزرگ در این

در تهران گفت که در وجود ایران، ما نه فقط یک دولت دوست، بلکه یک دولت بانباتی در کنار خود داریم که میتواند جلوی نفوذ شوروی را در این منطقه حیاتی جهان سد کند.» و نیز بهمین جهت است که شاه میگوید: «ما تنها کشوری هستیم که امکانات اقتصادی و نظامی لازم را برای حفظ و حمایت از این منطقه خلیج فارس داریم.» (کیهان هوایی - ۲۰ فوریه ۱۹۷۱)

### سیاست ایران بر سر دوراه

واقعتها در نشان دادن سمتی که ایران بر گزیده است تردیدی باقی نماند. مرتجعترین محافظهگرایان که ایران این سمت گیری را که بزبان مصالح کشور ما و سود امپریالیسم است با عناد تمام دنبال میکنند. هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اظهاریه مهم خود (مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱) که در شماره ۸۲ روزنامه «مردم» چاپ شده پس از تحلیل وضع جهان و خاور میانه و توصیف سیاست خارجی ایران چنین خاطر نشان میسازد: «در چنین شرایطی از همیشه روشن تر است که برفع صلح جهان، صلح منطقه و مصالح کشور ماست که تنها مشی صحیح در سیاست خارجی، یعنی مشی همنیستی مسالمت آمیز، همکاری خلقها، مشی بیطرفی مثبت در پیش گرفته شود و روشهای ضد دمکراتیک در سیاست داخلی و روش مضر و خطای نظامی کردن کشور ترک گردد. بهمین جهت در منفعت کشور ماست که از پیمان تجاوزکارانه سنتو خارج شود.»

پیمان «سنتو» مانند پیمانهای «ناتو»، «سنتو» و «آتروس» جزء سلسله پیمانهای نظامی - سیاسی تجاوزکارانه امپریالیستی است که بویژه امپریالیستهای امریکا و انگلیس آنرا پس از جنگ دوم جهانی سرهم بندی کردند تا آن نوع مناسبات ظالمانه ای را که خود مایلند در میان کشورها بدید آورند. این مناسبات برای آنست که دولتهای امپریالیستی و مقیم بر همه آنها امریکا و انگلیس بتوانند: اولاً با کشور های سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی و با جنبشهای انقلابی و مترقی عصر مبارزه کنند؛ ثانیاً منافع آزمندانه اقتصادی خود را تأمین کنند؛ منابع ثروت جهان را بتاراج برند؛ سطره خویش را بر سراسر جهان برقرار سازند و دیگر رقباء امپریالیستی خود را از صحنه بدر کنند.

هیئت حا که ایران، بر خلاف مصالح مردم ایران، بدنبال امپریالیسم امریکا و انگلیس رفته و خود را به اراه پیمان سنتو بسته است. سیاست ضد دمکراتیک در داخل کشور سیاست نظامی کردن عنان گسسته که با روش ضد دمکراتیک رژیم پیوند دارد، مرتجع ترین محافظ هیئت حا که را به سمت گیری در جهت پیمانهای امپریالیستی تشویق میکند. ولی امروز بیش از پیش روشن میشود که نوع کهنه مناسبات بین المللی، یعنی مناسبات مبتنی بر پیمانهای نظامی - سیاسی امپریالیستی بتدریج در کار تلاشی و زوال و مناسبات نوینی مبتنی بر همنیستی مسالمت آمیز،

امنیت جمعی، همکاری بین المللی در کار پیدایش است. پیدایش این مناسبات صرفاً ثمره افزایش قدرت اردو گاه سوسیالیستی و در پیشاپیش آن اتحاد جماهیر شوروی و جنبشهای ضد امپریالیستی، ثمره ضعف روز افزون امپریالیسم و بویژه انفراد تدریجی امپریالیستهای خدعه گر، غارتگر و تبه کار امریکا و انگلیس است.

سرمایه داران بزرگ امپریالیستی امریکا و انگلیس طی دو قرن اخیر منشاء جنایات عظیمی هستند. آنها نه فقط خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، نه فقط زحمتکشان اروپا و امریکا، بلکه حتی طبقات سرمایه دار دیگر کشورها را نیز از غارتگری آزمندانه و سطره جوئی انحصار طلبانه خویش بی نصیب نگذاشته اند و مقصرین عمده جنگ های جهانی، استعمار، فاشیسم و تسلط رژیم های ارتجاعی هستند.

رشد روز افزون نیرو های نو، نیرو های سوسیالیستی و ضد امپریالیستی در جهان این جهانخواران قسی و حیلہ گر را بادشواری های نادیده و ناشنیده ای روبرو ساخته است. امپریالیستها و بر رأس آنها امپریالیستهای امریکا و انگلیس کلیه وسایل و اسباب مادی و معنوی را که در اختیار داشتند بکار بردند تا این نیرو های رشد یابنده را با غیظ و غضب محو و نابود کنند. ولی نتوانستند، از عهده ایشان بر نیامد. این نیروها دمبدم قویتر میشوند و سیر حوادث تردیدی باقی نمی گذارد که امر غلبه ناپذیر نو در مصاف تاریخی با امپریالیسم، علی رغم حداعلاهی حیلہ گری و آدمخواری او، دیر یا زود به ظفر مندی نهائی میرسد. اینست محتوی حوادث زمان ما. می گویند: «مرد آخر بین مبارک بنده ایست» بصارت و خرد سیاسی می طلبد که این محتوی دوران ما درک شود و از روش هایی که متضاد آنست احتراز گردد. بهمین جهت حزب ما معتقد است که ایران باید راه خروج از گروهبندیهای نظامی - سیاسی امپریالیستی، راه بیطرفی مثبت، راه بیطرفی با کشور های سوسیالیستی و در درجه اول با همسایه بزرگ شمالی و کشورهای ضد امپریالیستی، راه خدمت به صلح جهان و منطقه، راه امنیت جمعی کشورهای جهان و از آنجمله کشورهای آسیا را در پیش کردن کشور که محل واقعی مشی غلط امروزی است دست بکشد.

شاه در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود در لندن بار دیگر کوشید تا در لفظ از اهمیت تعهدات ایران در چارچوب سنتو بکاهد و خود این پیمان تجاوز کارانه را نیز یک باشگاه بی ضرر و معصوم معرفی کند. حقایق با این تعبیرات تطبیق نمی کند.

هیئت حا که ایران در سر این دو راهه تاریخ بار دیگر بشهادت واقعات به ادامه مشی غلط گذشته تمایل نشان میدهد. بهمین جهت مردم ایران باید با مبارزه خود هیئت حا که را به تغییر مشی وادار سازند، مبارزه در این سمت بیش از همیشه بضرورت حاد روز مبدل شده است. ا. سپهر

## افکار عمومی در اروپا به حکومت استبدادی تهران اعتراض میکند

علت چیست؟ با اعتقاد ما علت آنست که حکومت دیکتاتوری شاه در ایران مورد اعتراض اکثریت قریب باتفاق مردم اروپاست. در این اعتراض وسیع ترین طبقات مردم، وابستگان به عقائد و مشی های سیاسی مختلف شرکت دارند. روزنامه های دولتی ایران سعی میکنند که این اعتراضات را محصول فعالیت گروه معینی جلوه دهند. این مغلطه بزرگی است. واقعیت اینست که اعتراض به حکومت استبدادی کنونی ایران، از طرف وسیع ترین قشر های مردم اروپا پشتیبانی میشود.

با اعتقاد، مادر شرایط کنونی مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک یکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف نیروهای میهن پرست و ترقیخواه جامعه ما است. در این مبارزه مردم ایران تنها نیستند. تمام مردم آزادبوس و ترقیخواه جهان، در آن شریک و پشتیبان آند. فعالیت عمده معدودی بربگذار، که نام چریک بخود نهاده اند. توجیه کننده ادامه اختناق و استبداد نیست. بالعکس فشار و اختناق کنونی به چپروهای انقلابی نما امکان میدهد که عملیات تروریستی خود را توجیه و تشدید کنند. یکی از مهمترین وسایل مقابله با روشهای خرابکارانه لغو و ترک اقدامات ضد آزادی است.

کشور ما دارای قانون اساسی است که در آن حقوق و وظایف مردم و ارگانهای دولتی تصریح شده است. با اینکه از عمر این قانون بیش از ۶۰ سال میگذرد، ولی هنوز بسیاری از اصول آن فعلیت دارد و مورد نیاز جامعه است. مقامات دولتی ایران، نه تنها مفاد قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، بلکه در یک جمله تمام قوانین را که بنحوی از انحاء حافظ حقوق مردم است، زیر پا گذاشته اند. این وضع نمیتواند در ایران و در اروپا، به اعتراضات و مبارزات وسیع میدان نهد. دولت ایران، تا وقتی که در سیستم اداره حکومتی خود تغییر اساسی نداده است، نمیتواند جز این انتظاری داشته باشد.

برای ایرانیانی که از صمیم قلب به میهن خود عشق میورزند، ادامه حکومت استبدادی کنونی مایه شرمساری است. زورگویان ناخردی که در تهران مردم را دسته دسته به زندانها میفرستند و گروه گروه در میدانهای تیر روانه میکنند، دشمن استقلال، آزادی، شرف و حیثیت ملی کشور و ملت ما هستند. اینها به حیاتی ترین مصالح ایران خیانت میکنند. اینها به جوانان پرشوری که قلبشان از عشق به آزادی آکنده است، ولی فاقد تجربه سیاسی هستند، امکان میدهند که دست به بمب گذاری و بمب افکنی بزنند، بی آنکه به نتیجه کار خود بیندیشند. دستگاه جور و ستم هیئت حاکمه مسئول خون این افراد، و مسئول خون افرادی است که بر اثر عملیات آنها، از بین میروند. این وضع باید خاتمه یابد!

ایالتی موافقت کرده است که شاه روز ۱۴ ژوئن در پنجاه و هفتمین کنفرانس بین المللی کار که در ژنو تشکیل میشود نطقی ایراد نماید. در این نامه جامعه سوسی حقوق بشر تقاضا میکند که مقامات محلی در مدت اقامت شاه در ژنو از تشکیل هر گونه میهمانی رسمی به افتخار او خودداری کنند، تا بدینوسیله اعتراض جامعه سوسی حقوق بشر به رئیس کشوری که به موازین حقوق بشر احترام نمی گذارد ابراز گردد.

علاوه بر این در حدود پنجاه نفر از شخصیتهای سیاسی و فرهنگی ژنو، ضمن نامه سرگشاده ای به صدور احکام اعدام در ایران اعتراض کردند. در این نامه سرگشاده گفته میشود: گناه متهمین هر چه باشد، با اعتقاد ما، عمل جوخه های اعدام بفتح ایران نیست. امضا کنندگان نامه سپس تقاضا میکنند که محکومین به اعدام و سایر محکومین سیاسی مورد عفو قرار گیرند.

در روز ۱۳ ژوئن شاه وارد ژنو شد. علیرغم تدارکات وسیعی که از طرف پلیس برای جلوگیری از تظاهرات ضد شاه بعمل آمده بود، در نقاط مختلف شهر افرادی که با حکومت دیکتاتوری در ایران مخالفند دست به تظاهرات مفصلی زدند. هتلی که شاه در آن اقامت کرد در محاصره کامل افراد پلیس بود. در کاخ دفتر بین المللی کار اقدامات احتیاطی وسیعی بعمل آمده بود. بطوری که روزنامه ها مینویسند، اقدامات احتیاطی باندازه ای بود که در ترافیک قسمتی از شهر ایجاد اختلال کرد. روز ۱۳ ژوئن قریب ۱۰ تن بیرون کنسولگری ایران در ژنو دست با اعتراض زدند. پلیس اعتراض کنندگان را با استفاده از گاز اشک آور متفرق کرد. در همین روز بمبی در عمارت دفتر بین المللی کار کشف شد که قبل از انفجار بی خطر گردید.

در کنفرانس دفتر بین المللی کار شاه نطق مفصلی ایراد کرد. اعتراضات خارج جلسه در داخل کنفرانس هم بی اثر نبود. در این جلسه نمایندگان کشورهای فرانسه، سوئیس، دانمارک، کویت، یمن، سوریه و عراق بعنوان اعتراض شرکت نداشتند.

این اولین بار نیست که در جریان سفر شاه به اروپا اعتراض صورت میگردد. در گذشته هم هر بار که شاه به اروپا آمده است در هر شهر که پا گذاشته، وضع بهمین قرار بوده است. امروز کار بجائی کشیده است، که هر کشور اروپائی، هنگامیکه از قصد شاه برای سفر بآن کشور آگاه میشود، دچار ناراحتی شدید میشود. دولت های اروپائی میدانند که هر یک از این سفرها با انواع مشکلات برای آنها همراه است.

## اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره تأمین حقوق ملی خلق بلوچ

ملاحظیات اصولی است. ما خلق بلوچ را ذبح می شمیریم که برای مطالبه حقوق ملی خود مبارزه کند. این مبارزه باید بعنوان جزئی از مبارزات عمومی مردم ایران علیه امپریالیسم و برای نیل با استقلال ملی، علیه ارتجاع و برای نیل بدمکراسی، و هماهنگ با این مبارزات انجام گیرد.

پیروزیاد دوستی و برادری خلقهای ایران و بیکار آنان در میهن مشترک ما ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای استقلال و دمکراسی! هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۹ تیر ماه ۱۳۵۱

دنباله از صفحه ۶

## در باره برخی مسائل مربوط به اشتغال

پیشرو باید برای تحقق این خواستها که بطور کلی در زیر بیان میگردد مبارزه کند: حق کار، جلوگیری از هر گونه تبعیض

در اشتغال از لحاظ سن، جنس، مذهب، عقاید سیاسی تعیین حد اقلی مزد بمقیاس سراسر کشور و با توجه به هزینه زندگی، دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی، حقوق بازنشستگی کافی، تعمیم بیمه های اجتماعی از آنجمله بیمه بیکاری، حق آموزش حرفه ای و افزایش مهارت حرفه ای، حق کارگران و سازمانهای سندیکائی که در محل کار همه مسائل مربوط با اشتغال و شرائط کار را در بین خود و با کارفرما مورد بررسی و مذاکره قرار دهند، اقدام برای تقلیل ساعات کار بدون کاهش دستمزد، تمدید ایام مرخصی سالیانه، تقلیل سن بازنشستگی.

برای مبارزه با بیکاری باید از طرف دولت مراکز تهیه کار، آموزش حرفه ای ایجاد گردد، سیاست تأمین مسکن با سیاست اشتغال هماهنگ میشود، برای اشتغال جوانان اقدامات جدی بعمل آید، در تنظیم برنامه رشد علاوه بر تهیه کار برای بیکاران موجود باید تهیه کار برای جوانانی که در سالهای آینده در میدان تولید کام خواهند گذاشت و تعداد آنها در کشور رو به افزایش است منظور گردد.

حزب توده ایران مبارزه برای تحقق این خواسته های مردم طبقه کارگرو زحمتکش ایران را یکی از وظایف اساسی خود میدانند. ح. فروردین

شماره حساب بانکی مجله «مسائل بین المللی»

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N: 0 400 126 50  
Dr. John Takman

بلوچها طی تاریخ بارها علیه ستمگران مبارزه کرده اند. جنبش خلق بلوچ که زمانی بصورت مقاومت عشایر تحت قیادت سرداران محلی بود، اینک بیش از پیش بصورت یک جنبش آگاه و متشکل درمیآید. زیرا ما اکنون در عصر بیداری خلقها بسر میبریم. آن دوران گذشته است که خلقی با تکاه تعداد بیشتر یا برتریهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی میتوانست خود را بر خلق های دیگر تحمیل کند و آنها را مورد ستم و غارتگری قرار دهد. نمونه پاکستان نشان داد که چگونه سیاست عنودانه هیئت حاکمه مرتجع که نخواست منویات مردم بنگال را در نظر گیرد، با ورشکست روبرو شد.

حزب توده ایران از همان آغاز تأسیس خود برای تأمین حقوق حقه خلقهای ایران در چهارچوب میهن واحد ما ایران مبارزه کرده است و مبارزه میکند. ولی هیئت حاکمه بجای آنکه این نظریات سنجیده و مترقی را درک کند، به واکنشهایی خشن پرداخت و بهر گونه طرح مسئله ملی در ایران بر چسب تجزیه طلبی زد و حقوق خلقهای ایران را منکر شد.

این سیاست ارتجاعی بیش از پیش میدان تحقق خود را در تاریخ معاصر از دست میدهد. اینرا حتی محافل حاکمه ایران نیز احساس میکنند. در سالهای اخیر دولت ایران مجبور شد زبانهای آذربایجانی و کردی را در تبلیغات رادیویی خود وارد کند. البته اقدام هیئت حاکمه در این زمینه ناچیز است و مسئله ملی در ایران کماکان حل نشده باقی مانده است. سخن ما اینست که راه تأمین وحدت ملی در جامعه ایران، راه انکار واقعیت وجود خلقها، راه انکار حقوق حقه ملی آذربایجانیها، کردها، بلوچها، ترکمنها و عربها نیست. حزب توده ایران خود هوادار سرسخت تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و نقض ناپذیری مرزهای کشور است و در این راه مبارزه کرده و خواهد کرد ولی ما بر آنیم که راه واقعی و خردمندانه تأمین تمامیت و حاکمیت میهن ما آنست که خلقهای ساکن سرزمین ایران در آن با برابری زندگی کنند و سرنوشت خود را خود بدست گیرند.

به همین جهت حزب ما طرفدار اتحاد خلقهای ایران بر اساس موافقت داوطلبانه آنهاست و معتقد است که برای ایجاد یک اتحاد واقعی باید ستم ملی ریشه کن شود و حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش تأمین گردد و در تقسیم بندی کنونی کشور بر پایه وحدت قومی و زبانی و بر اساس اصول دمکراتیک تجدید نظر بعمل آید. بنظر حزب ما برای تأمین حق خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خود باید در بخشهای ملی ایران انجمنهای ایالتی و ولایتی در عین حال ارگانهای خودمختاری سیاسی و فرهنگی باشند.

برخوردمانست به خلق بلوچ ناشی از همین

## در باره برخی مسائل مربوط با اشتغال

(بیرامون کنفرانس ملی کار)

وزارتکشانشان ایران حائز اهمیت است. این مسائل عبارتند از: مسئله اشتغال، وضع زنان و جوانان کارگر، استفاده از تکنولوژی مدرن، مسئله مسکن و دستمزد، مسئله تجدید نظر در قوانین بیمه و کار.

اخیراً در آستانه تشکیل پنجاه و هفتمین «کنفرانس بین‌المللی کار» (که در ژوئن ۱۹۷۲ در ژنو برگزار شد) در تهران کنفرانس ملی کار تشکیل گردید. روزنامه کیهان مینویسد: «این کنفرانس طی قطعنامه‌ای پس از اشاره بلزوم توجه بیشتر به جنبه‌های پیش‌گیری و بهداشت کار در زمینه مقررات حمایتی خواسته است تا در قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی بمنظور هماهنگ ساختن آنها با احتیاجات واقعی طبقه مولد کشور و ایجاد تأمین شغلی بیشتر جهت کارگران تجدیدنظر لازم بعمل آید و مقررات حمایتی خاصی برای زنان و نوجوانان کارگر و نیز کارگران غیر مجتمع تنظیم و اجرا گردد». ببینیم در وراء قطعنامه‌ها و مواعید «کنفرانس ملی کار» واقعیت چیست و وزارتکشانشان ایران با چه مشکلاتی روبرو هستند.

### بحران حاد اشتغال

در روستای ایران اکثریت دهقانان در شرایط بسیار دشواری بسر می‌برند. علاوه بر میلیونها دهقان بی‌زمین عده کثیری از دهقانان صاحب زمین نیز نه سرمایه‌ای دارند و نه اطلاعات فنی لازم تا بهره‌وری تولید کشاورزی زمین خود را بهبود بخشند. نتیجه آن است که وضع خوار و بار بوخامت می‌گراید و بیکاری آشکار و پنهان و گرسنگی گروه عظیمی را در بر می‌گیرد. عواقب این وضع بویژه برای دهقانان جوان رنج‌آور است. آنها دسته دسته در جستجوی یک لقمه نان ده موطن خود را ترک کرده رهسپار شهرها میشوند و بصوف بیکاران شهری می‌پیوندند. روزنامه اطلاعات مینویسد: «جمعیتی که از روستاها و شهرهای کوچک بطرف مرکزی مثل تهران سرازیر میشود چون فاقد تمکن و تخصص و حتی سواد کافی است لاجرم در شهرهای بزرگ بتوده غافل و باطل تبدیل میشود و بهترین راهی که برای معاش خود پیدا میکنند روی آوردن بان کارهایی است که در اصطلاح بیکاری پنهان خوانده میشود، کارهایی مثل دست‌فروشی، طوفاقی، بلیط‌فروشی، شانه‌سر و کش‌کمر فروختن و غیره. در حالیکه در همانوقت در شهرها و مراکز صنعتی مشکل کمبود کارگر فنی احساس میشود و روستاها کمبود کارگر کشاورزی». رونامه اطلاعات که از مدیحه سرایان رژیم است و گردانندگانش از انگل‌های جامعه ما بشمار می‌روند قریباً بیان رژیم را بشیرمانه جمعیت سربار مملکت میخواند و طی مقاله دیگری پیشنهاد میکند که برای آنها اردو

رسمی بین‌المللی طی ۵ سال یعنی از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ برای کار و اقامت دائمی ۳۶۹ نفر مهندس، ۶۵ نفر محقق علوم طبیعی، ۱۸ نفر محقق علوم اجتماعی، ۳۱۱ نفر پزشک ایرانی و ۱۶۱۶ نفر متخصصین حرفه‌های گوناگون از ایران تنها به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرده‌اند و در سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ از بین دانشجویان ایرانی که تحصیلات خود را در آمریکا بپایان رسانیده بودند ۷۱ درصد بایران بازنگشتند. علاوه بر اینها هزاران تن پزشک، مهندس، تکنیسین، پرستار و غیره در جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و فرانسه بسر می‌برند. باین ترتیب در نتیجه سیاست ضد ملی رژیم امپریالیستها نه تنها منابع نفت و دیگر منابع ثروت ما را غارت میکنند و وزارتکشانشان کشور ما را مورد استثمار قرار میدهند، بلکه از طریق مهاجرت کادرهای علمی و فنی ایران که بنهایت مورد احتیاج رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما هستند بشکل جدیدی از بهره‌کشی امپریالیستی دست میزنند که برای کشور ما عواقب وخیمی دارد.

### مسئله «تکنولوژی مدرن»

هیئت‌ها که با مجموعه سیاست خود موجبات «فرار مغزهای ایرانی» را فراهم میسازد چگونه میتواند از ایجاد تکنولوژی ایرانی دم بزند؟ لازمه تکنولوژی ایرانی تربیت و حفظ کادراهائی است که قادر باشند تکنولوژی مدرن را بکار ببندند و بویژه آنرا با شرایط خاص ایران تطبیق داده بمنظور کاهش وابستگی به تکنیک کشورهای امپریالیستی مراکز پژوهشهای علمی و فنی بوجود آورند.

هویدا در چهارمین کنفرانس ملی کار گفت: «ما بطرف صنایع عقب افتاده نخواهیم رفت، بطور صریح سیاست دولت روشن است، ما میرویم بطرف صنایع پیشرفته». در مورد صنایع کارگر طلب و سرمایه طلب چنین اضافه کرد: «ایجاد صنایع کارگر طلب همان نغمه‌های ناآشناست، صنایع مادر باید سرعت پیش برود».

ما بدون اینکه به تحلیل جزئیات این اظهارات بپردازیم این نکته را متذکر میشویم که طبقه کارگر و حزب توده ایران همواره با تکنولوژی مدرن و صنایع پیشرفته موافق بوده و هستند و راه ترقی و پیشرفت جامعه ایران را در توسعه سریع و همه‌جانبه صنعت میدانند ما بر آنیم که اگر صنعت پیشرفته و تکنولوژی مدرن با تکیه بر منابع مالی ملی و بطور عمده بدست کادراهائی فنی ایرانی انجام گیرد امکانات وسیعی برای تسهیل کار و افزایش مدت استراحت و فعالیت‌های فرهنگی وزارتکشانشان و ترقی سطح زندگی فراهم میسازد ولی بکار بستن تکنولوژی مدرن با سرمایه امپریالیستها بدست کارشناسان تحمیلی آنها صرفاً میتواند در خدمت انحصارهای امپریالیستی باشد و تردیدی نیست که نمیتواند مورد موافقت طبقه کارگر و مردم همین پرست ایران قرار گیرد. کارگران ایران مبارزه میکنند تا تکنولوژی مدرن

گاه کار» ایجاد کنند. ولیان وزیر تعاون و امور روستاها معتقد است: «مادامکه موجبات جذب نیروهای اضافی موجود در روستاها وسیله قطب‌های صنعتی و کشاورزی و سایر خدمات فراهم نشده باید از مهاجرت روستا نشینان بشهرها جلوگیری شود». یعنی باید جوانان روستا دور از چشم طبقات غارتگر حاکم بیکار و گرسنه بسر ببرند. هویدا نخست وزیر مدعی است که «برای کارگران ساده بویژه آنها که از بخش کشاورزی منتقل میشوند تا حدی در بخش خدمات (منظور همان کارهای غیرمولد از قبیل دستفروشی و غیره است) و بمیزان قابل ملاحظه‌ای در بخش ساختمان و خانه سازی امکاناتی وجود دارد».

حال این سؤال مطرح میشود: در حالیکه زمین هست، اعتبار هست، کارگر محتاج مسکن هست و کارگر بیکار بحدوفور هست چرا با وجود این کارگران در زاغه‌ها و بیغوله‌ها بسر می‌برند؟

بیکاری توده عظیم مردم نشان میدهد که رشد اقتصادی و در درجه اول رشد صنعتی نیازمندیهای اشتغال را برنمآورد و دستگاه حاکمه لیاقت تنظیم و اجرای یک برنامه هماهنگ رشد و استفاده از نیروی انسانی را ندارد. نتیجه آنست که از سوئی تعداد کادرهای فنی و آزموده، خواه برای امور صنعتی، خواه برای رشته کشاورزی و خدمات بسیار کم است و از سوی دیگر مدارس ابتدائی و متوسطه و دانشگاهها دیپلمه‌هایی تربیت میکنند که رژیم موجود نمیتواند آنها را در کار مناسبی مشغول دارد. طبق فهرست منتشره از طرف اداره اشتغال وزارت کار در ۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۱ از بین بیکاران ۲۶ درصد دیپلمه دبیرستان، ۱ درصد فوق دیپلم ۵ درصد متخصصین عالی هستند. سن ۸۰ درصد از بیکاران با سواد کمتر از ۳۰ سال است. وجود دهها هزار جوان بیکار دارای تحصیلات متوسطه و عالی در کنار توده میلیونی بیکاران بیسواد و آموزش‌ندیده یکی از مشخصات دردناک اشتغال در کشور ما است.

### مسئله فرار مغزها

نا توانی رژیم در تدوین و اجرای یک برنامه هماهنگ رشد اقتصادی بانضمام اسلوب‌های پوسیده و ورشکست حکومت که آکنده از تبعیضات و امتیازات است و یک سیاست عقب مانده اجتماعی از لحاظ مزد، حقوق، شرایط کار و ترفیعات و بدتر از همه وجود ترور پلیسی و دیگر تدابیر سیاسی موجب «فرار مغزها» میگردد. بسیاری از دیپلمه‌های متوسطه و عالی میهن ما بعنوان کسب یا تکمیل تخصص راه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته را در پیش می‌گیرند و هزاران تن از آنها دیگر بایران باز نمیگردند. طبق آمار

و صنایع پیشرفته بی آنکه وسیله معیشت وزارتکشانشان را دچار مخاطره سازد بسود خلق و برای خدمت بخلق انجام گیرد. بدین منظور وزارتکشانشان ایران میبایند تا کلیه هزینه‌های زائد دولتی حذف شود، مبالغ هنگفتی که برای هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی بهر میرود تقلیل یابد و دارائی ملی صرف ایجاد مراکز جدید صنعتی گردد تا برای صدها هزار جوان کارگر و روشنفکر ایرانی وسایل کار، تولید و مصرف فراهم آید.

### وضع زنان وزارتکش

قطعنامه عمومی کنفرانس ملی کار باوجود مبهم بودنش نشان میدهد که برخلاف ادعای گردانندگان رژیم در شرایط کار و زندگی زنان وزارتکش ایران هیچگونه بهبودی بوجود نیامده است. تعداد زنان بیسواد بهرانب از تعداد مردان بیسواد بیشتر است، این نسبت در مدارس متوسطه و در آموزشگاههای حرفه‌ای و در دوران تحصیل عالی بازم بیشتر بضرر زنان تغییر میکند. از آنجا که از آنجمله از حق کار زنان زیاد دم میزنند ولی در عمل به بهانه‌های گوناگون این حق پایمال میشود، فقط ۳۳٫۱ درصد زنان از نظر اقتصادی فعال بشمار میروند. این رقم گواه بر وجود بیکاری شدید در بین زنان و دوشیزگان ایرانی است. عنوان خانه‌داری برای زنان وزارتکش که خانه‌ای ندارند جز پرده‌ای برای استتار بیکاری آنان نیست. مجموعه این تبعیضات زنان را از لحاظ اشتغال، بیمه، در وضع نامساعدی قرار میدهد و موجب میشود که هنگام تلاطمات اقتصادی که از خصایص رژیم سرمایه‌داری است نخستین ضریبات متوجه زنان گردد. اصل برابری مردزن و مرد در مقابل کار مساوی که بر طبق مقوله نامه شماره ۱۰۰ سازمان بین‌المللی کار شناخته شده است هر گز اجرا نمیشود. بعنوان نمونه میتوان مزدها هزار زن قالی‌باف ایران را که از نصف حد دستمزد مصوب دولت پائین‌تر است در نظر گرفت. بطور کلی کلیه مواد قانون بیمه و کار در مورد دهها هزار زن هنرمند قالیباف ایران و کودکان آنها بوجه و بلا اجرا است. یکی از مهمترین وظایف سندیکاهای کارگری و کارگران پیشرو آنست که بر فعالیت خویش برای دفاع از منافع زنان وزارتکش بیافزایند. قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی باید مادران را مورد حمایت ویژه قرار دهد تا آنان بتوانند در ضمن اشتغال بکار مولد وظایف مادری را انجام دهند، از آنجمله باید پرداخت حقوق کامل ایام مرخصی زایمان، حق بازگشت بشغل قبل از زایمان طبق قانون تضمین گردد و با رجوع کار سبک بزنان باردار بدون کاهش دستمزد و ایجاد خدمات خاص پزشکی، شیرخوارگاه، کودکستان، و سازمانهای نگهداری کودکان، مادرو کودک مورد حمایت قرار گیرند.

### خواست‌های مبرم کارگران

خواست‌های مربوط بمسئله اشتغال باید در رأس فعالیت‌های سندیکائی قرار گیرد، کارگران دنباله در صفحه ۵